

**An Inquiry into Book Criticism**  
***History of literary criticism in Andalusia* by Dr. Mohammad**  
**Rezwan Al-Daya**

**Mahdi Abedi Jazini\***

**Abstract**

Critical reading in various fields reveals the efficiency and effectiveness of the text under study for the audience and explains the positive and negative features of the text, because the critical attitude is a constructive origin that the existing gaps are shortcomings. The subject of literary criticism in the land of Andalusia has received less attention from literary critics and analysts. Perhaps the reason for this is the scarcity of cash resources published in this literary period so that a clear picture of it in the mind of the researcher. Among the works that have studied the history of literary criticism in this period is the book *History of Literary Criticism in Andalusia* by Mohammad Rezwan al-Daya, a professor at the University of Damascus. Since this work has been a pioneer in the field of studying the status of literary criticism in the Andalusian period, and despite writing more extensive and accurate works, it deserves criticism and review. Some of the work, let's evaluate the book. In the process of research, we came to the conclusion that the use of reliable and first-hand sources and sometimes manuscripts, elaboration of the subject and expression of the history of literary criticism and theories and critical approaches of this period are among the strengths of this work. Not paying attention to choosing a correct scientific research method and not having brevity, formal errors, typographical and writing errors are the weaknesses of this work. This work suffices only with the history of literary criticism in this period and refers to the theories and views of writers and critics from the side of their critical and rhetorical works and does not penetrate into the deeper layers of the problem.

**Keywords:** Literary Criticism; Andalusia; Mohammad Rezwan Al-Daya; History of Literary Criticism in Andalusia.

---

\* Assistant Professor of Arabic Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.abedi[at]fhn.ui.ac.ir.

Date received: 2020-08-10, Date of acceptance: 2020-12-09

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## جستاری در نقد کتاب

### تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس اثر محمد رضوان الدایة

مهدی عابدی جزینی\*

#### چکیده

خوانش نقدی در عرصه‌های گوناگون، میزان کارایی و تأثیرگذاری متن مورد بررسی را برای مخاطب هویدا می‌سازد و ویژگی‌های مثبت و منفی متن را تبیین می‌کند، زیرا نگرش نقادانه، خاستگاهی سازنده است که خلل‌های موجود، کاستی‌ها و کمبودها را نشان می‌دهد. موضوع نقد ادبی در سرزمین اندلس، کم‌تر مورد توجه ناقدان و تحلیلگران ادبی بوده است. شاید دلیل این مسئله، اطلاعات اندک و کاستی منابع نقدی انتشاریافته در این برهه ادبی است تا تصویر شفاف و روشنی از آن در ذهن پژوهشگر، نقش ببندد. ازجمله آثاری که تاریخچه نقد ادبی در این دوران را مورد بررسی قرار داده، کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة، استاد دانشگاه دمشق است. چون این اثر، در عرصه بررسی وضعیت نقد ادبی در دوره اندلس پیشگام بوده است، و با وجود نگارش تألیفات فراخ‌تر و دقیق‌تر، در خور نقد و بررسی است، برآنیم با تکیه بر روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به نمونه‌هایی از اثر، به ارزیابی کتاب بپردازیم. در روند پژوهش به این نتیجه رسیدیم که استفاده از منابع معتبر و دست اول و گاهی آثار خطی، تفصیل موضوع و بیان تاریخچه نقد ادبی و نظریات و رویکردهای نقدی این دوران، از نقاط قوت این اثر محسوب می‌شود. توجه نکردن به گزینش یک روش تحقیق علمی صحیح و نداشتن ایجاز، اشکالات شکلی، اشتباهات تایپی و نگارشی از نقاط ضعف این اثر است. این اثر تنها به تاریخچه نقد ادبی در این دوره و اشاره به نظریات و دیدگاه‌های ادیبان و ناقدان از لابه‌لای آثار نقدی و بلاغی آنان بسنده کرده و به لایه‌های ژرف‌تر مسئله، رخنه نکرده است.

**کلیدواژه‌ها:** نقد ادبی، اندلس، محمد رضوان الدایة، *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس*.

\* استادیار گروه عربی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، m.abedi[at]fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹

## ۱. مقدمه

دستاوذهای ادبی دوره اندلس با گونه‌های متعدد آن از قبیل شعر، نثر و نقد، صرف‌نظر از این اینکه در عرصه‌هایی مقلد و پیرو مشرق‌زمین و زمان‌های گذشته بوده است، در خورِ درنگ و بررسی است. ناقدان و تحلیل‌گران ادبی کم‌تر به نقد ادبی در سرزمین اندلس توجه نشان داده‌اند. همان‌گونه که بررسی متون شعر و نثر این دوران نیز آن‌گونه که در خور آن است، مورد کنکاش قرار نگرفته است. شاید دلیل این مسئله اطلاعات اندک و کاستی منابع نقدی چاپ‌شده در این برهه ادبی است تا تصویر شفاف و روشنی از آن در ذهن پژوهشگر، نقش ببندد. اهمیت مسئله در این است که آثاری که در باب وضعیت نقد ادبی در سرزمین اندلس، نگارش یافته است، تحولات نقدی و دگرگونی‌های بنیادین در عرصه نقد ادبی را از قرن سوم تا قرن هشتم هجری بررسی کرده‌اند و این آثار، پیوندهنده این قرن‌های تاریخی با یکدیگر هستند، البته با اشاره به این نکته که تحولات ادبی با تاریخ، ارتباط چندانی ندارد.

نقد ادبی در دیار اندلس، ضرورتاً بخشی ناگسستنی از عرصه نقد ادبی است، زیرا در امتداد نقد ادبی در مشرق‌زمین است. سرزمین اندلس تا آغاز قرن پنجم هجری در عرصه نقد ادبی، مراحل ابتدایی و آغازین نقد را می‌گذراند و رویکرد کلی نقد ادبی در آن به سمت صرف، نحو و زبان بود. نقد ادبی در اندلس، موضوعات خود را از خارج، وام‌گیری نمی‌کرد، بلکه آن را از دل آثار زبان‌شناختی صورت گرفته در اندلس، می‌گرفت. هم‌زمان با جنبش نقدی که در مشرق‌زمین روی داد و نقد، روش‌مندتر و دارای قواعد و شالوده‌های استواری شد، رویدادهای چالش‌برانگیزی در عرصه نقد ادبی در این دوران، رخ داد؛ از جمله درگیری ناقدان در مورد ابوتمام و بحتری، خصومت ادبی درباره متنبی و سرقت‌های ادبی وی، نظریه‌های خاص بلاغی درباره اعجاز قرآن، و نظریه نظم جرجانی.

در سرزمین اندلس، نقد ادبی در مسیر ارتباط میان شعر و اخلاق، گام برمی‌داشت. رویکرد دیگری که در میان ناقدان اندلسی وجود داشت، نقد تطبیقی بود که در پرتو آن، مشرق‌زمین را منبع وحی و الهام خویش محسوب می‌کردند و بازگشت به ادبیات مشرق‌زمین را تأکید بر دو ادبیات در چارچوب فرهنگی واحد از لحاظ تقدم و تأخر، می‌دانستند و گاهی آثار ادبی مشرق‌زمین را الگو و منبع اصلی خود قرار می‌دادند.

نویسنده کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* در حد توان خود کوشیده است تاریخ نقد در سرزمین اندلس را از آغاز تا انجام، در قرن هشتم هجری، بررسی و تبیین کند. اهمیت این

جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۲۷

پژوهش در این نکته نهفته است که محقق، تحولات نقدی در اندلس و تغییرات بنیادین نقد در دو قرن ۶ و ۷ هجری را در بوتۀ نقد قرار داده و به مقدمات و عوامل این تحولات که سرآغاز آن قرن ۵ هجری بوده، اشاره کرده است. برای محقق اهمیتی نداشته که آیا نقد در اندلس، تصویر کم‌رنگی از مشرق‌زمین است یا خیر و چرا؟! تنها هدف وی، شمارش و استقرار آثار نقدی در اندلس بوده است. مؤلف به این مطلب اشاره می‌کند که صرف آمارگیری، استقرا و استنباط احکام نقدی این دوره ادبی، مستلزم پژوهش مستقلی با درون‌مایه و بررسی کامل است.

### ۱-۱. هدف پژوهش

هدف از نگارش این مقاله، نگرش انتقادی به کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* از محمد رضوان الدایة است تا جنبه‌های مثبت و منفی این اثر از لحاظ مضمون و شکل و لفظ و معنا بررسی و میزان اثرگذاری و جایگاه آن در میان آثار انتقادی نقد ادبی اندلس مشخص شود.

### ۲-۱. ضرورت پژوهش

نقد ادبی یکی از اساسی‌ترین و پرچالش‌ترین حوزه‌های ادبیات به‌شمار می‌آید و شاید بتوان گفت، کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* در عرصه بررسی وضعیت نقد ادبی در دوره اندلس، اثری پیش‌رو و پیش‌تاز بوده است و نگاهی انتقادی به این کتاب، با وجود انتشار آثار دقیق‌تر و جامع‌تر دیگر، مفید خواهد بود.

### ۳-۱. پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی وضعیت نقد ادبی در دوره اندلس، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته که گه‌گاه در حد تفکیک قرن‌های مختلف این دوره و یا بررسی نقد ادبی در شعر شاعر و نویسنده‌ای بوده است. به مواردی از این قبیل اشاره می‌کنیم:

- پژوهش احسان عباس (۱۹۹۲) با عنوان «تاریخ النقد الأدبی عند العرب - نقد الشعر من القرن الثانی إلى القرن الثامن» که در بخشی از آن به صورت جامع و کامل به رویکردهای نقد ادبی در دیار اندلس در قرن ۷ و ۸ هجری پرداخته است.

- کتاب *النقد الأدبی فی الأندلس فی عصر المرابطین و الموحدین* (۲۰۰۵)، اثر شریف علاونة.

- کتاب نظریه الشعر و المنهج النقدي في الأندلس (حازم القرطاجني نموذجاً) (۲۰۰۷) اثر لغویزی علی.
- پژوهش مقداد رحیم (۲۰۰۰) با عنوان «اتجاهات نقد الشعر في الأندلس في عصر بني الأحمر».
- کتاب تیارات النقد الأدبی في الأندلس (في القرن الخامس الهجري) (۱۹۸۴) اثر عبدالرحیم مصطفی علیان.
- پایان نامه ای امیمة إبراهيم أحمد الحارذلو با عنوان اتجاهات النقد الأدبی في الأندلس في القرنين السادس و السابع الهجريين (۲۰۰۸).
- رساله کارشناسی ارشد الضاوية بريك، با عنوان النقد الأدبی في الأندلس اتجاهاته وقضاياه من القرن السادس إلى القرن الثامن الهجري (۲۰۱۶).
- در زمینه نقد کتب تاریخ ادبیات و آثار ادبی نیز، مقالات چندی نوشته شده که می توان به برخی موارد اشاره کرد:
- «نقدی بر تاریخ الأدب العربی في العصرين المملوکی و العثماني» (۱۳۹۳) نوشته صادق عسگری، منتشر شده در مجله پژوهش نامه انتقادی متون.
- «بررسی و نقد کتاب النقد الأدبی أصوله و مناهجه سيد قطب» (۱۳۹۵) اثر علی بشیری.
- «نظرة جديدة إلى كتاب تأريخ الأدب العربی في الأندلس» (۱۳۹۵) اثر ابراهیم نامداری منتشر شده در مجله انجمن عربی زبان و ادبیات عربی.
- در مورد نقد و بررسی دیگر کتاب های محمد رضوان الدایة، ابراهیم نامداری (۱۳۹۶) کتاب فی الأدب الأندلسی وی را نقد و بررسی کرده و به نکته های برجسته ای دست یافته است. این کتاب کاستی هایی دارد از جمله نبود روشی یکسان و علمی در ارجاع و گاهی رعایت نکردن قواعد نحو و لغت، فقدان فهرست منابع و نبود تسلسل منطقی بین برخی مطالب کتاب، و از جمله نقاط قوت آن، می توان به تحلیل و بررسی دقیق موضوعات، پرهیز از زیاده گویی و اطناب و رعایت قواعد نگارشی اشاره کرد.
- اما با وجود این، در مورد نقد کتاب تاریخ النقد الأدبی في الأندلس تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۲۹

#### ۴-۱. سؤالات تحقیق

سؤالاتی که در این پژوهش از طریق خوانش انتقادی این کتاب در شکل و درون‌مایه، در صدد پاسخ‌دهی به آن‌ها هستیم، عبارت‌اند از:

۱. با توجه به نگارش پژوهش‌های متعدد در عرصه نقد ادبی در دوره اندلس، بررسی این کتاب چه ضرورتی دارد؟
۲. چارچوب شکلی و محتوایی این اثر به چه شکلی است؟
۳. میزان فراگیری و شمولیت این کتاب تا چه حدی است؟
۴. میزان نوآوری در این کتاب به‌عنوان اثری پیشگام در این عرصه، در مقایسه با دیگر آثار چگونه ارزیابی می‌شود؟

#### ۵-۱. شیوه پژوهش

شیوه مورد تکیه در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و برآنیم با تکیه بر تحلیل و بررسی و با استناد به نمونه‌هایی از اثر، به ارزیابی کتاب پردازیم.

#### ۶-۱. زندگی‌نامه مختصر نویسنده

محمد رضوان الدایة، زاده دومای دمشق در سال ۱۹۳۸، تحصیلات خود را در شهر دمشق آغاز و دیپلم خود را در رشته زبان عربی دریافت کرد و مرحله کارشناسی و دکتری خود را از دانشگاه قاهره در همین رشته اخذ کرد. وی به‌منزله مدرس در دانشگاه‌های دمشق، الجزایر و امارات متحده عربی مشغول بوده است و عضو «جمعية البحوث والدراسات» و «اتحاد الکتاب العرب» است. بیشتر آثار وی درباره ادب عربی به‌ویژه ادبیات اندلس است. از جمله آثار وی در حوزه ادبیات اندلس عبارت‌اند از: *المختار من الشعر الأندلسی* (۱۹۹۲)، *التقالید الشامیة فی الدیار الأندلسیة* (۱۹۸۳)، *فی الأدب الأندلسی* (۲۰۰۰) و کتاب حاضر. علاوه بر این، وی درباره بسیاری از آثار برجسته عربی تحقیق کرده است که شایان تقدیر و ارج نهادن است. وی هم‌اکنون استاد دانشگاه امارات است ([www.k-tb.com](http://www.k-tb.com)).

### ۷-۱. معرفی کلی کتاب

کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس*<sup>۱</sup>، اثر محمد رضوان الدایة در ۱۹۸ صفحه توسط مؤسسه الرسالة در بیروت، به زیور طبع آراسته شده است. منظور اصلی وی از نگارش این کتاب، بررسی تحولات و تطورات نقد ادبی در این دوران و درنگ در رویکردهای نقدی ناقدان این برهه و کاوش در نظریات نقدی آنان بوده است؛ خواه این مطالب در نظریات پراکنده آنان باشد مانند نظریات پراکنده ابن بسام در *الذخیره* و یا نظریات مدون و منظم نویسندگانی همچون کلاعی، رندی و حازم قرطاجنی (الدایة، ۱۹۹۳، ص. ۷).

این اثر، شامل یک مقدمه (تمهید) و چهار باب و یک نتیجه‌گیری (خاتمه) است. محمد رضوان الدایة در مقدمه کتاب در سه موضوع، به بررسی ویژگی‌های برجسته حیات فکری و زیستی اندلس از جمله فرهنگ و ادبیات، تأثیر طبیعت در آن، دیدگاه حاکمان، اثر دینی، جایگاه شعر و نثر در این دوران پرداخته است. موضوع بعدی را «الأندلسیة» تعبیر می‌کند که منظور وی مظاهر و ویژگی‌های اختصاصی اندلسی‌ها و دیدگاه ادبای آن در قبال تقلیدگرایی از مشرق‌زمین است. در موضوع واپسین نیز به بررسی فرهنگ در سرزمین اندلس پرداخته و به موضوع انتقال فرهنگ مشرق‌زمین به اندلس و تحولات فرهنگی در آن اشاره کرده است (همان، صص. ۱۳-۶۶) که به نظر می‌رسد مقدمه، طولانی شده است.

### ۸-۱. نقد فصل‌بندی کتاب

در باب نخست کتاب، نویسنده به شارحان اندلسی پرداخته که آثار برجسته خاورزمین را شرح کرده‌اند. وی این شرح‌ها را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرده است:

۱. شرح‌های آموزشی، ۲. شرح‌های ذوقی و زیباشناختی، ۳. شرح‌های خاص، ۴. شرح‌های ادبی جامع.

در باب دوم، وی به نکته‌های ابتدایی نقد ادبی در اندلس پرداخته و در سه مطلب آن را بررسی کرده است: رویکردهای نقد ادبی در خاورزمین، پژوهاک رویکردهای فنی مشرق‌زمین در اندلس و بررسی نکته‌های نقدی زبان‌شناسان، ادیبان و نحویان این دوران، از جمله ابن عبد ربّه و کتاب *العقد الفرید* وی، ابن حبیب حمیری و کتاب *البدیع فی وصف الربیع* وی، ابن شهید و ابن حزم.



جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۳۱

در باب سوم نیز در هفت موضوع به نقد آرا و نظریات نقدی در این دوران و بررسی نظریات ادیبانی همچون حمیدی، ابن السید، سرقسطی، ابن خفاجه، ابن بسام و ابن سعید پرداخته است و در باب چهارم نیز سه اثر نقدی در جولانگاه اندلس را مورد کاوش قرار داده است که عبارت‌اند از: *إحكام صناعة الكلام* کلاعی، *الوافی فی نظم القوافی* رندی و *منهاج البلاغا* اثر حازم قرطاجنی (همان، صص. ۸-۹). در پایان نیز به نتایج و خلاصه پژوهش خویش اشاره کرده است. از آنجایی که چاپ دوم این کتاب، ناقص بود و به چاپ نخست آن دسترسی نداشتیم، لاجرم به نقد مقدمه و باب اول این اثر بسنده شده است. امید که کتاب کامل، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

## ۲. بررسی محتوایی و موضوعی کتاب

نویسنده در مقدمه کتاب در ۵۰ صفحه (که مقدمه‌ای نسبتاً طولانی به نظر می‌رسد) به ذکر نکته‌هایی شاید تکراری و همراه با درازگویی درباره فضای اندلس، طبیعت دلربای آن و وضعیت فرهنگ و دین در این سرزمین می‌پردازد که شاید بیان این نکته‌های تکراری و شاید خسته‌کننده از غنای این اثر پیشگام، کاسته است. وی در موضوع دوم مقدمه خود، بحثی نسبتاً مفصل را به تأثیرپذیری ادبای اندلس از ادبای مشرق‌زمین و نکته‌های ابتکاری آنان اختصاص داده است؛ از جمله معارضه‌های شعری و معارضه‌های تألیفی همچون کتاب *الدخیره* ابن بسام که در معارضه با *یتیمه الدهر* ثعالبی به نگارش درآمده است.

نویسنده، به بررسی شرح‌های مشهور بر آثار ادبی مشرق‌زمین پرداخته و نشانه‌های ذوق نقدی در این آثار را نمایان کرده است. نکته شایان توجه در این بخش، رویکرد فراوان اندلسی‌ها به شرح کتاب‌های ادبی از جمله دیوان شاعران است که به دقت در گردآوری و روایت درست متن و توجه فراوان به شرح درست معنایی و لفظی شهره‌اند؛ نکته دیگر اینکه، میراث اندلسی‌ها در پژوهش‌های بلاغی و نقدی اندک است و در شرح‌های خویش به استنباط ارزش‌های زیباشناختی متن و برخی ملاحظات بلاغی و نقدی که غالباً تطبیقی است، اشاره می‌کنند. نکته دیگر اینکه نویسنده از فشرده‌گویی پرهیز می‌کند و به نقد و بررسی هر شرح و نظریات نقدی و بلاغی شارح می‌پردازد.

در مجموع، می‌توان گفت این اثر از لحاظ موضوع و مطالب، بسیار مفید و قابل استفاده برای اندیشمندان حوزه زبان عربی و تحولات صورت‌گرفته در دوران اندلس است؛ به‌ویژه

اینکه ادبا و ناقدان این برهه را مقلد، برشمرده‌اند، اما این اثر تا اندازه‌ای نشان می‌دهد این مدعا، ادعای کاملاً درستی نیست.

### ۳. نکته‌های مثبت ساختار کتاب

هر چند در هر اثری علمی، مفهوم و محتوا بر هر مطلب دیگری ترجیح دارد، اما نظر به اینکه در وهله نخست، شکل و ظاهر اثر، می‌تواند در نگرش خواننده مؤثر باشد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- طرح جلد بسیار ساده و ابتدایی به رنگ سفید و نگارش عنوان کتاب، با خطی زیبا در میانه آن و حرکت‌گذاری عنوان اصلی؛ از آنجایی که این کتاب درباره بررسی نقد ادبی در سرزمین اندلس است، رنگ سفید روی جلد، نشانه زلالی، بی‌آلایشی و نجابت است و نشان می‌دهد ناقد در نقد خویش، بایستی فارغ از طرفداری‌ها و جانبداری‌ها، دیدگاه خود را نسبت به متن ارائه کند.

از دیگر نقاط قوت شکل این اثر، می‌توان به صفحه‌بندی و صفحه‌آرایی زیبا و مناسب، فرورفتگی ابتدای هر بند (پاراگراف)، تشکیل و حرکت‌گذاری بسیاری از ابیات و قلم مناسب زبان عربی، نگارش روان و تقریباً کم‌اشتباه نویسنده، اشاره کرد.

- حجم صفحه‌ها و تعداد سطرهای کتاب، تقریباً استاندارد است، ۲۱ سطر در هر صفحه و قلم متناسبی (نه خیلی درشت و نه خیلی ریز) انتخاب و باعث شده است متن کتاب از لحاظ ظاهری، زیبایی خاصی (با چینش درست مطالب) داشته باشد.

- تمایز عنوان‌های اصلی و فرعی کتاب با برجسته کردن آن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۴. نکته‌های ضعف شکل اثر

- مقدمه کتاب، مقدمه‌ای علمی و بایسته نیست، زیرا دارای پیشینه، سؤالات پژوهش، فرضیه‌ها، شیوه پژوهش و بایسته‌های دیگر نیست و این مسئله از ارزش این کتاب می‌کاهد. شاید دلیل مسئله در این نکته باشد که این کتاب بر اساس شیوه‌های قدیمی پژوهش به نگارش درآمده است.

- شماره‌گذاری صفحات مقدمه که از لحاظ اصول نگارش پژوهش علمی، صحیح نیست و بایستی بر اساس حروف الفبا، صفحه‌بندی شود.

جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۳۳

- فقدان فهرست مطالب، فهرست منابع مورد استفاده نویسنده، فهرست اعلام، فهرست آیات، نمودار و ... که بیانگر ضعف رعایت قواعد عمومی نگارش هر پژوهش علمی است و نشان می‌دهد این اثر از عناصر تشکیل دهنده جامعیت صوری تقریباً کم بهره است.

- عدم استفاده از سرصفحه یعنی درج عنوان کتاب و عنوان هر باب و فصل در بالای صفحه (به‌منزله شیوه‌ای متداول).

- عدم حرکت‌گذاری برخی از ابیات شعری و گاهی فرازهای نثری مورد استناد که خوانش متن را برای خواننده دشوار می‌کند.

- عدم شرح واژگان دشوار در ابیات و نثرهای منقول، که سبب دیریابی متن می‌شود.  
- شکل و چاپ اثر کیفیت زیادی ندارد؛ از جمله صحافی نامناسب کتاب که نشان می‌دهد این چاپ احتمالاً چاپ اصلی کتاب نبوده و افست بوده است. این مسئله در نامتوازن بودن صفحات و چینش مطالب و برش ناهمسان اوراق، نمایان است.

#### ۱-۴. اشکالات نگارشی، تایپی و حروف‌نگاری

- دقت در نوشتار و تایپ واژه‌ها و جمله‌ها بر روانی و شیوایی اثر می‌افزاید و در نوشتار، بایستی دقت نظر داشت. نوشتار این اثر حروف‌نگاری مناسبی ندارد و بسیاری از حروف، خوانا و واضح نیست و در مواردی خوانش برخی از کلمات دشوار و گاهی ناممکن است.  
- با وجودی که نویسنده، قلم رسا و شیوایی دارد، اما اصول نگارش متن به زبان عربی به‌ویژه در نگارش همزه قطع و وصل رعایت نشده است و در کل کتاب این ضعف نگارشی، بسیار چشمگیر است که در اینجا به مواردی اندک از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- ص. ۵: «التراث الأندلسی» که صحیح آن «التراث الأندلسی» است،

- ص. ۳۵: «فاتجهت الی ذلک أنظارهم» که درست آن «إلی ذلک» است،

- ص. ۵۰: «وقد سبقت الإشارة إليها» که صحیح آن «قد سبقت الإشارة إليها» است.

و موارد متعدد دیگری که فراتر از شمارش است.

- اشتباهات مکرر و فراوان تایپی که عرصه را برای خوانش درست متن، دچار تنگنا می‌کند؛ شاید یکی از دلایل این مسئله، چاپ نامناسب کتاب باشد که به‌صورت افست است و برخی از حروف، خوانا و واضح نیستند. مسئله دیگر اینکه در موارد شایانی نیز تای مدور(ة)

نیز درست نگارش نیافته است. به دلیل فراوانی اشتباهات تایپی، تنها به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

- شواهد اشتباهات تایپی

نادرست	درست
ص. ۶. لأدبیه الأندلسیه	الأدبیه الأندلسیه
همان	القرطاجنی
ص. ۸. تهیئة	تهیئة
ص. ۱۳. شامیه	شامیه
ص. ۱۴. ذکرة	ذکره
ص. ۱۹. عبدالعزیز	عبدالعزیز
ص. ۲۴. الدثرة	الدائرة
ص. ۲۷. الاس	الناس
ص. ۲۸. اعجابه	اعجابه
ص. ۱۸۴. السقط	السقط
ص. ۱۹۸. نظرتہ	نظرتہ و....

- عدم استفاده از تشدید در موارد فراوان که سبب دیریابی معنای عبارت می‌شود، برای مثال صفحه ۱۳، در عبارت «فرايت أن أمر بها فی مطلع الحديث» بایستی در واژه «أمر» تشدید گذاشته شود تا معنای عبارت با رسایی بیشتری فهمیده شود و خواننده در خوانش عبارت، دچار دیریابی و چالش نشود.

#### ۲-۴. شیوه ارجاع‌دهی

- از آنجا که نویسنده برای اثبات گفته‌ها و مدعای خویش، ناگزیر از استناد به منابع معتبر و علمی است، یکی از ملاک‌های برتری هر اثر علمی، بررسی منابع آن و شیوه ارجاع‌دهی آن است؛ «چراکه یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های نویسندگان آثار علمی، پس از انتخاب موضوع، جست‌وجو در منابع و مراجع گوناگون برای جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره موضوع است» (عسگری، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۳).

جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۳۵

شیوه ارجاع‌دهی نویسنده، قدیمی است و در اولین ارجاع به یک منبع مشخص، اطلاعات کامل کتاب در پاورقی درج شده، این در حالی است که اطلاعات کامل منبع ارجاعی باید در کتاب‌نامه و منابع پایانی درج شود.

- نداشتن وحدت رویه در شیوه ارجاع‌دهی: در موارد فراوانی، نویسنده به شکل‌های گوناگونی ارجاع‌دهی را انجام می‌دهد و نوعی بی‌نظمی و آشفتگی مشاهده می‌شود. برای مثال اگر نقل قول‌هایی پشت سر هم از یک منبع باشد، بایستی از واژه «المصدر نفسه» یا «نفس المصدر» استفاده کرد، اما نویسنده در موارد فراوانی این اقدام را صورت نداده است. به مواردی هرچند اندک از آن اشاره می‌کنیم: صفحه ۱۴ که منبع «نفع الطیب» تکرار شده است، صفحات ۱۸، ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۷۸، ۸۲ به بعد، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۸۳ و موارد متعدد دیگر.

- شماره‌گذاری پاورقی‌ها در نقل قول‌ها بایستی در انتهای متن اقتباسی، صورت گیرد، اما نگارنده در مواردی بسیاری، در ابتدای متن این کار را انجام داده است، مانند صفحات ۱۶، ۱۷ و ...

- در موارد فراوانی نقل قول‌های مستقیم بیش از ۶ سطر در این اثر مشاهده می‌شود. از لحاظ اصول پژوهش، اگر نقل قول مستقیم بیش از ۶ سطر باشد، بایستی نقل به معنا صورت بگیرد که در اینجا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: صفحات ۲۱، ۳۳، ۳۴، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۸۵-۸۴، ۸۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۶۹ (تنها برای بیان شیوه شرح شارح)، ۱۸۸، ۱۹۵ و موارد متعدد دیگر.

- در مواردی، نویسنده نقل قولی را بیان می‌کند، اما محدوده نقل قول، با قرار دادن آن درون گیومه مشخص نیست؛ مانند: صفحات ۲۷، ۳۶، ۳۷، ۹۴.

- در مواردی نگارنده از شیوه ارجاع درون‌متنی، به جای ارجاع برون‌متنی استفاده می‌کند که نشان می‌دهد نویسنده رویه واحدی را در این زمینه، اتخاذ نکرده است، برای مثال صفحات ۴۵، ۴۶ و ۵۸.

- گاهی نویسنده در شماره‌گذاری پاورقی‌ها دچار اشتباه شده است؛ برای مثال صفحه ۱۲۲، به جای پاورقی شماره ۶، عدد ۱ گذاشته شده است.

### ۳-۴. شماره‌گذاری عنوان‌ها

- شماره‌گذاری نکردن عنوان‌ها طبق مطالب و تقسیم‌بندی هر فصل.

- در مواردی، عنوان‌های اصلی شماره‌گذاری شده، اما نگارنده از شماره‌گذاری عنوان‌های فرعی غافل مانده است، برای مثال صفحات ۲۵، ۲۶ و ...

##### ۵. موارد ضعف محتوایی اثر

- عدم توجه به گزینش روش تحقیقی علمی و دانشگاهی، که این مسئله در فقدان مقدمه کافی و وافعی، نمود پیدا می‌کند، زیرا فاقد پیشینه، سؤالات تحقیق، فرضیه‌ها، روش تحقیق و موارد بایسته دیگر است و در مطالب اساسی کتاب نیز، روش بنیادین نویسنده، درازگویی و پرهیز از مختصرگویی است.

- یکی از نقاط قوت هر کار پژوهشی، داشتن پیشینه پژوهش است؛ به گونه‌ای که فقدان این مهم، یکی از عیوب اثر علمی قلمداد می‌شود و یکی از موضوعاتی که در هر تحقیق، بدیع بودن و روش‌مند بودن آن را نشان می‌دهد، پیشینه تحقیق است. اهمیت این بخش بدین دلیل است که کم‌تر موضوعی است که هیچ پژوهشی در مورد آن انجام نشده باشد. متأسفانه این اثر پژوهشی فاقد این عنصر مهم از ارکان پژوهش است.

- مقدمه بسیار طولانی و تقریباً بی‌ارتباط با موضوع اصلی که حدود ۷۵ صفحه از حجم ۲۰۰ صفحه‌ای کتاب را دربر گرفته و از دامنه علمی بودن، ایجازگویی و استنادسازی اثر کاسته است؛ هرچند حاوی نکته‌های مهمی است.

- شاید این میزان درازگویی و تفصیل درباره جزئیات زندگی و وضعیت شعر و ادب و علوم گوناگون در اندلس، و در بحث شرح‌ها، توضیحات فراوان درباره زندگی شارحان، تألیفات آنان، شخصیت و رفتار آن‌ها، سلسله روایان شرح و ... در این بحث علمی، ضرورت نداشته باشد.

- تکراری بودن برخی مطالب: این مسئله، منحل به ایجازگویی نویسنده است؛ برای مثال در صفحه ۵۲ و ۵۳ به وضعیت ورود زریاب، شاگرد اسحاق موصلی، به اندلس اشاره شده که در فصل قبلی (ص. ۲۶) نیز بدان اشاره شده است و خود نگارنده نیز به تکراری بودن این مطلب اقرار کرده است. در مواردی دیگر، نویسنده به مطالب تفصیل بیش از حد می‌دهد و کتاب را از دایره اثری علمی خارج می‌کند؛ برای مثال از صفحه ۶۰ تا ۶۵، در ۶ صفحه کامل، درباره عنوان‌های کتاب‌هایی که در این دوران تدریس می‌شده، صحبت شده و عنوان‌های این کتاب‌ها، تک به تک ذکر شده است.

جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۳۷

- در موارد فراوانی، کتاب مشهور ابن قتیبه، گاهی «أدب الکاتب» معرفی می‌شود و گاهی «أدب الکتاب» که در این اثر مشخص نیست، نام صحیح آن کدام است، برای مثال: صفحه ۶۲ و ۱۸۲.

- آشفتگی برخی مطالب در این اثر مشهود است و برخی مطالب با مطالب پیشین و پسین تناسب چندانی ندارد؛ برای مثال در بخش تمهید کتاب (مقدمه) در مورد مسائل گوناگون دوران اندلس، سخن به میان آمده و دسته‌بندی خاصی به چشم نمی‌خورد و مطالب مشوش و آشفته است، از طبیعت دل‌ربای اندلس و تأثیر شگفت آن در ادبیات این دوره صحبت می‌کند و بلافاصله به اسلامی بودن این سرزمین و تأثیرات مذهبی در ادبیات می‌پردازد. سپس به مسئله فقها و قاضیان منتقل می‌شود، آنگاه وارد موضوع غنا و موسیقی اندلسی و مسائل مرتبط با آن می‌شود (برای مثال، صص. ۱۳ - ۳۲).

- کلی بودن برخی عنوان‌ها و عدم استفاده از عنوان‌های جزئی‌تر و ملموس‌تر: برای مثال در صفحه ۳۲ کتاب، که نگارنده از عنوان «الشعر و الكتابة» استفاده کرده و بدون به‌کارگیری عنوان‌های فرعی، تنها به جایگاه نویسنده و شاعر در این دوران اشاره کرده و عنوان، بیانگر محتوای مطالب نیست (صص. ۳۲ - ۳۴).

- فقدان شرح کافی برای برخی مطالب: در این اثر، عبارات چالشی و دشوار، ابیات و نثر نقل شده از آثار این دوران و واژگان دشوار، حداقل در پانویس، توضیح و شرح داده نشده است که باعث دیریابی مطالب برای خواننده مبتدی و حتی صاحب‌نظر می‌شود.

برای مثال، در صفحه ۱۶، نویسنده ابیاتی را از حمیری و ابن سفر مرینی نقل می‌کند که الفاظ دشوار و دیریابی در آن به چشم می‌خورد و نویسنده این واژه‌ها را توضیح نداده و از آسان‌سازی خوانش ابیات گذر کرده است؛ یا در صفحه ۱۷ ابیات منقول از ابن خفاجه با وجود دشواری فهم معنای برخی واژگان، به حال خود رها شده است.

- به‌طور کلی این اثر، پژوهشی عمیق و ژرف‌اندیشانه در موضوع نقد ادبی در سرزمین اندلس، محسوب نمی‌شود؛ هرچند در این عرصه، گوی سبقت را ربوده است، اما تنها به تاریخچه نقد ادبی در دوران و اشاره به نظریات و دیدگاه‌های ادیبان و ناقدان از لابه‌لای آثار نقدی و بلاغی آنان، بسنده شده و به لایه‌های ژرف‌تر مسئله، رخنه نکرده است و تحلیل‌ها بیشتر، سطحی است.

- در عنوان «منهج البحث»، به محتوای فصل‌های کتاب اشاره شده است که در هر پژوهش علمی، باید به روش کار و تجزیه و تحلیل مطالب اشاره شود.

## ۶. موارد قوت محتوایی اثر

### ۱-۶. انتخاب موضوع مناسب

نویسنده موضوعی بکر و دست‌نخورده (تا زمان نگارش این اثر) را برگزیده و سعی کرده است از جوانب مختلف، موضوع را بررسی کند؛ هرچند اشکال‌هایی در تفصیل موضوع و شمولیت آن وجود دارد، و پژوهش‌های دیگری پس از آن، با دامنه‌ای فراخ‌تر و فراگیری و دقت بیشتر، صورت گرفته (همچون: کتاب *النقد الأدبی فی الأندلس فی عصر المرابطین والموحدین و...*)، اما موضوع جالب و کم‌تر کارشده‌ای را مورد انتخاب قرار داده است.

### ۲-۶. نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر

یکی از ویژگی‌های مهم هر اثر علمی، ارتباط به‌هم پیوسته و همگونی مطالب با یکدیگر است. این اثر با موضوع نقد ادبی در اندلس، از شرح‌های کتاب‌های ادبی آغاز شده و به رویکردهای انتقادی در این دوران و نظریه‌های انتقادی پراکنده و مدون ناقدان ادبی پرداخته است. نویسنده همان‌گونه که در مقدمه اشاره کرده، به انجام مطالب و تسلسل منطقی آن پای‌بند بوده است. موضوعات هر فصل به هم مرتبط هستند و ارتباط فصل‌ها با یکدیگر قابل مشاهده است؛ هرچند در مواردی، زیاده‌گویی و تفصیل بیش از حد، صورت گرفته که از جایگاه این اثر کاسته است.

### ۳-۶. ارجاع‌دهی مناسب و بهره‌گیری از منابع معتبر و دست اول

کم‌تر پژوهشگری می‌تواند مدعی باشد که آنچه را نوشته، تنها زائیده اندیشه خود اوست،

چراکه نویسندگان غالباً اطلاعات و داده‌های خود را از طریق مطالعه منابع، که نتیجه و ثمره تلاش گذشتگان است، به‌دست می‌آورند، سپس این داده‌ها به‌عنوان مواد خام نخستین، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده تا به نتایج جدیدی دست یابند (عسگری، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۵).



جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۳۹

استفاده از منابع معتبر و دست اول، یکی از موارد قوت این اثر محسوب می‌شود و گویای این مطلب است که نویسنده از منابع معتبر در این موضوع، اطلاع کافی داشته و با توجه به موضوع کتاب و اهداف آن، نویسنده از منابع دست اول و در مواردی دست‌نخورده و بکر، همچون کتاب‌های خطی که هنوز به زیور طبع آراسته نشده، بهره گرفته و این مسئله باعث شده است تا نویسنده در این مسیر با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شود (همان‌گونه که در صفحه ۷۴ بدان اشاره کرده است).

- با توجه به اسلوب و اقتضای کتاب، در میزان دقت در استنادات و ارجاعات، این اثر از جهت توجه به اصل امانت‌داری، تقریباً خوب عمل کرده و در بیشتر ارجاع‌دهی‌ها، وفادار به متن اصلی بوده است.

- در بحث از زندگی هر شارح یا ناقد ادبی این دوران، در پانویست به منابع مناسب دیگر برای استفاده بیشتر محققان، ارجاع داده شده است؛ از جمله: صفحات ۹۴، ۱۱۷، ۱۳۴، ۱۴۸ و ...

## ۷. جایگاه اثر و نقد دیدگاه‌های وی از سوی دیگران

این کتاب، اثری پیشگام در عرصه بررسی نقد ادبی در دوران اندلس، قلمداد می‌شود، اما به دلیل پیشتاز بودن این اثر، اشکال‌های در آن رخ داده که نویسندگان پسین، آن‌ها را اصلاح و پایش کرده‌اند و نقدهایی نیز به مطالب وی در این کتاب، داشته‌اند که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. علاونة در اثر مفید خویش، این مطلب را از این کتاب نقل می‌کند که: «دکتر محمد رضوان الدایة، بر این باور است که حازم قرطاجنی در تعریف شعر، از جمود و خشکی تعریف قدامة بن جعفر عدول کرده و از تجربه ارسطویی و ذوق شعری خویش بهره برده است» (۲۰۰۵، ص. ۱۲۴، به نقل از الدایة، ۱۹۶۸، ص. ۵۱۰). سپس نویسنده در ادامه می‌افزاید:

درحقیقت، حازم القرطاجنی به تعریف شعر، چیزی را افزوده که در میان ناقدان قدیم عرب، سابقه نداشته است، زیرا نگاهی شکلی و بیرونی به تعریف شعر داشته‌اند و در هدف و غایت شعر، ژرف نشده بودند. ولی حازم، هم مراعات جنبه شکلی تعریف شعر را نموده (کلام موزون و مقفی) و هم به تأثیر شعر در جان انسان توجه داشته است،

نکته دیگر اینکه، به عنصر خیال نیز توجه داشته و آن را از ارکان مهم ساختار شعر محسوب می‌کند (همان، ص. ۳۲).

۲. محمد رضوان الدایة بر این باور است که کلاعی<sup>۳</sup> در سخن خویش درباره انواع نگارش و همگام شدن با تحولات تاریخی آن، به مشاهیر هر مکتب نثری اشاره کرده و این بررسی کلاعی، اهمیت خاصی به کتابش افزوده است و افزونه جدیدی به تاریخ نقد ادبی در اندلس اضافه کرده است (همان، صص. ۴۱۲-۴۱۳).

نویسنده کتاب می‌افزاید: «به گمان ما، تقسیم‌بندی کلاعی در مورد مکاتب نثری تا دوران خویش، حاوی ملاحظه دقیقی از تطورات سبک‌شناختی آن داشته است. علاوه بر این، وی به تحولات اسلوبی از دوره‌ای به دوره دیگر اشاره می‌کند» (الدایة، ۱۹۹۳، ص. ۱۶۵). وی در جای دیگری از این کتاب، نقل مطلب می‌کند و می‌گوید: «یکی از پژوهشگران (دکتر رضوان الدایة) به این مطلب اشاره می‌کند که کلاعی در بررسی انواع نثر، تقسیم‌بندی خود را از این شهید (با توجه به نقل ابن بسام در الذخیره) برگرفته است، اما وی، متن این اشاره را ذکر نمی‌کند و به موضع آن در الذخیره اشاره ننموده است» (همان، ص. ۸۹، به نقل از الدایة، ۱۹۶۸، ص. ۴۱۷).

۳. «برخی پژوهشگران (الدایة) بر این باورند که سرقسطی، موضوع مفاضله میان شعر و نثر را مورد بررسی قرار داده و کوشیده در این مسیر دست به عصا حرکت کرده و از هر فنی، یک ویژگی را بدان ملحق سازد» (همان، ص. ۳۵۳). در موضع دیگری نویسنده، باور الدایة را مورد مذاقه قرار می‌دهد و می‌گوید:

برخی، دیدگاه‌های اندلسی‌ها در قبال شعر را علت‌یابی کرده‌اند، چراکه نسبت به نثر تعصب داشته‌اند؛ چون برخی ناقدان این دوران به دیدگاه دینی - اخلاقی که ناقدان اندلس بر آن اصرار داشتند، پای‌بند بودند؛ به‌عنوان مثال ابن حزم، شعر را به دو نوع مباح، مکروه و حرام تقسیم‌بندی می‌کند (همان، ص. ۳۱۴).

۴. از جمله پژوهش‌های صورت‌گرفته در موضوع نقد ادبی در اندلس، اثر دکتر رضوان الدایة است که هدف این کتاب، بیان تاریخ استقرایی نقد ادبی در اندلس و درنگ در تألیفات نقدی و بلاغی اندلس از فتح آن تا سقوط اندلس است و به ایجاز به مسائل پرداخته شده در این تألیفات، اشاره کرده

جستاری در نقد کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* اثر محمد رضوان الدایة ۱۴۱

است. اما پژوهش‌های عمیق‌تر و گسترده‌تری وجود دارد که نقد ادبی را در دوره‌های مشخص و عمیق‌تر بررسی کرده‌اند (بریک، ۲۰۱۶، ص. «ج»). این شواهد، گویاست که این کتاب به سبب پیشگام بودن در این عرصه، کانون توجه پژوهشگران دیگر بوده است.

## ۸. پیشنهادها

- بازنویسی متن کتاب با توجه به نگارش درشت زبان عربی، به‌ویژه نگارش همزه قطع و وصل.

- صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری مناسب‌تر اثر تا سبب خوانش بهتر متن کتاب شود و رغبت بیشتر خواننده را در خواندن متن کتاب برانگیزاند.

- هماهنگی و نظم در شیوه ارجاع‌دهی.

- شماره‌گذاری و تفکیک عنوان‌های فرعی از اصلی.

- کاستن از حجم مطالبی که بیان آن ضرورتی ندارد و بیشتر باعث خستگی و ملال خواننده می‌شود (به‌ویژه در مورد مطالب ارائه‌شده درباره شرح‌ها و...).

- شرح و توضیح ابیات، مطالب و لغات دشوار که سبب غنای بیشتر اثر و خوانش آسوده‌تر آن می‌شود.

- علمی‌تر کردن اثر با افزودن مقدمه جامع و کامل به آن، فهرست و منابع و بایسته‌های دیگری که لازمه غنای هر اثر علمی است.

## ۹. نتیجه

این پژوهش، از رهگذر خوانش کتاب *تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس* و نقد آن، به نتایج چندی دست یافته است:

۱. ساختار شکلی و نمای هندسی کتاب تا حد زیادی مورد قبول است، هرچند اصول نگارش علمی، در مواردی به‌ویژه در مختصرگویی، شیوه ارجاع‌دهی، بیان جامع و مانع مقدمه و اهداف تحقیق و... رعایت نشده است. اشتباهات فراوان نگارشی، به‌ویژه شیوه نگارش همزه قطع و وصل نیز از اشکالات شکلی اثر قلمداد می‌شود. شیوه ارجاع‌دهی نیز رویه واحدی را دنبال نمی‌کند و گاهی ارجاع‌دهی، برون‌متنی با گونه‌های متفاوت آن است و گاهی درون‌متنی

است که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد. برخی از مطالب نیز، با وجود نقل قول مستقیم بودن، بدون ارجاع‌دهی به حال خود رها شده است. اما در غالب موارد، نویسنده خود را به ارجاع‌دهی امانت‌دارانه پای‌بند می‌داند و این باعث شده نویسنده فردی امانت‌دار و متعهد نمود یابد.

۲. این اثر از لحاظ موضوع و مطالب، بسیار مفید و قابل استفاده برای اندیشمندان حوزه زبان عربی و تحولات صورت‌گرفته در عرصه نقد ادبی در دوره اندلس است، به‌ویژه اینکه ادبا و ناقدان این برهه را مقلد و پیرو ناقدان و ادبای خاورزمین برشمرده‌اند.

گوشش بسیار فصیح، سلیس و شیوای عربی، از ویژگی‌های برجسته این اثر است که نویسنده، قلم شیوا و رسایی و اشتباهات دستوری اندکی در آن مشاهده می‌شود. نگارنده سعی کرده از به‌کارگیری واژه‌های کم‌کاربرد و دور از ذهن و دشوار بپرهیزد و جملات را کوتاه، روان، شیوا و برکنار از پیچیدگی و ابهام بیان کند.

۳. این کتاب به‌منزله اثری پیشگام در این موضوع، توانسته با دسته‌بندی قابل توجه و منظمی، تاریخ نقد ادبی در سرزمین اندلس را تجزیه و تحلیل کند و نکته‌های نوینی را به خواننده ارائه دهد، زیرا از منابع دست اول و حتی کتاب‌های خطی برجای‌مانده از این دوران بهره برده است؛ هرچند که کتاب در حوزه موضوع اصلی، کاستی‌هایی دارد که آثار نگارش‌یافته پس از وی، این کمبودها را برطرف کرده‌اند.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. این اثر، ابتدا در سال ۱۹۶۸، در دارالفکر دمشق در ۵۳۸ ص انتشار یافته است، اما چاپ دوم این کتاب، در ۱۹۸ صفحه و به‌صورت ناقص انتشار یافته است. دلیل ناقص انتشار یافتن چاپ دوم این کتاب مشخص نیست و با وجود تلاش شایان نگارنده، به نسخه‌ای از چاپ نخست این کتاب که کامل‌تر است، دست نیافتیم. بنابر گفته نویسنده در مقدمه کتاب، هدف اصلی وی از نگارش این اثر، بیان شمه‌ای از حیات ادبی و فکری اندلس در قرن‌های میانی ادب عربی است. وی مدعی است این کتاب، نخستین اثری است که پژوهش‌ها و آثار نقدی این دوران را بررسی کرده است. چالشی که وی در نگارش این کتاب و جمع‌آوری و بررسی نقد ادبی در دوران اندلس با آن روبه‌رو بوده است، اندکی آثار نقدی در اندلس و مفقود یا خطی بودن برخی آثار است که بسیاری از این تألیفات از بین رفته‌اند (الدایه، ۱۹۹۳، ص. ۶).

۲. نام صحیح کتاب، *أدب الکاتب* است.

۳. کلاعی، سلیمان بن موسی، معروف به ابن سالم در سال ۵۶۵ق در «مرسیه» زاده شد. وی در سفر به شهرهای اشبیلیه، شاطبه، غرناطه و اسکندریه به فراگیری علوم مبادرت ورزید. وی به همراه یکی از قضات «بلنسیه» به اقداماتی مؤثر بر ضد مسیحیت دست زد. وی سرانجام در ذی‌حجه سال ۶۳۴ق در جریان نبردی که بر ضد یعقوب فاتح اول نزدیک

جستاری در نقد کتاب تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس اثر محمد رضوان الدایة ۱۴۳

بلنسیه روی داد، کشته شد. نام اثر مشهور وی الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله صلی الله علیه و سلم والتلاته الخلفاء واحکام صنعہ الکلام است.

## منابع

بریک، ض. (۲۰۱۶). النقد الأدبی فی الأندلس اتجاهاته و قضاياها من القرن السادس إلى القرن الثامن الهجری. الجزائر: جامعة وهران.

بشیری، ع. (۱۳۹۵). بررسی و نقد کتاب النقد الأدبی أصوله و مناهجه. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۶، ۱-۲۱.

الدایة، م. ر. (۱۹۹۳). تاریخ النقد الأدبی فی الأندلس. بیروت: مؤسسة الرسالة.

الدایة، م. ر. (۱۴۲۱ق). فی الأدب الأندلس. دمشق: دارالفکر.

عباس، ا. (۱۹۹۲). تاریخ النقد الأدبی عند العرب، نقد الشعر من القرن الثاني حتى القرن الثامن الهجری. بیروت: دارالثقافة.

عسگری، صادق (۱۳۹۱). نقد و بررسی منابع استنادی در مقالات علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی. ادب عربی، ۱، ۱۵۳-۱۷۴.

علاونه، ش. ر. (۲۰۰۵). النقد الأدبی فی الأندلس، عصر المرابطين والموحدين. عمان: وزارة الثقافة.

علیان، ع. م. (۱۹۸۴). تيارات النقد الأدبی فی الأندلس (فی القرن الخامس الهجری). بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر.

عمر، ع. و. (۲۰۰۳). النقد الأدبی فی الأندلس (عصر الطوائف و المرابطين). بیروت: دارالثقافة.

عمر، ع. و. (۲۰۰۸). فی نقد النقد الأندلسی. القاهرة: دارالهدی للنشر.

نامداری، ا. (۱۳۹۵). نگرشی نو بر کتاب تاریخ الأدب العربی فی الأندلس. انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۴۱، ۲۴۷-۲۶۶.

نامداری، ا. (۱۳۹۶). بررسی و نقد کتاب فی الأدب الأندلسی. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۱، ۲۲۵-۲۴۱.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی